

رحمان دفن بر سوزاندن و دخمه

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (89) امر و خلق - جلد 4

۸۹ - رحمان دفن بر سوزاندن و دخمه

و نیز از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز: "جسد انسانی همین قسم که در بدایت بتدریج بوجود آمده است همینطور باید بتدریج تحلیل گردد این مطابق نظم حقیقی و طبیعی و قانون الهی است اگر چنانچه بعد از مردن سوختن بهتر بود داخل ایجاد نوعی انتظام می یافت که جسد بعد از فوت بخودی خود افروخته شعله زند و خاکستر گردد ولی نظم طبیعی که بتقدیر الهی تحقق یافته این است که باید بعد از فوت این جسد از حالی بحالی مختلف انتقال یابد تا بحسب روابطی که در عالم وجود است با کائنات سائر منتظماً اختلاط و امتزاج یابد و قطع مراتب نماید تحلیل کیمیای یابد و بعالم نبات انتقال کند گل و ریاحین شود و اشجار بهشت برین گردد و نفحه مشکین یابد و لطافت رنگین جوید سوختن مانع از حصول این کمالات بکمال سرعت است اجزاء چنان متلاشی گردد که تطوّر در این مراتب مختل شود"

و در خطاب بحاجی میرزا محمد تقی طوسی در بمبئی است قوله العزیز: "اما قضیه دخمه هر چند در نصوص قاطعه موجود نه و این قضیه جواز و عدم جوازش راجع به بیت عدل است تکلیف این عبد بیان نصوص قاطعه است و ما عدای آنچه در کتاب منصوص جمیع راجع به بیت عدل است هر وقت تشکیل شود در آن خصوص قراری خواهند داد ولی اگر اجسام متعدده در موقع واحد گذاشته شود قدری از نظافت بعید است باید خاک امتصاص رطوبت جسم را بنماید در اینصورت اگر بر صندوقه خاک ریخته شود جسم زودتر رطوبتش زائل گردد"



ORIGINAL